
زندگینامه
مادر مهتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین علیها السلام

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین علیها السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۳
عنوان و نام پدیدآور:زندگینامه مادر مهتاب حضرت ام البنین علیها السلام / واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع:مادر - حضرت ام البنین علیها السلام - حضرت عباس علیه السلام

السلام

السلام ای گوهر دریای عشق ***السلام ای لاله صحرای عشق
السلام ای مظهر صبر و وفا ***السلام ای زوجه شیر خدا
السلام ای باغبان لاله‌ها ***ای به حیرانت همه آلاله‌ها
خوانده‌ای خود را کنیز فاطمه علیهاالسلام ***داده‌ای درس محبت بر همه
شاعر جعفرزاده

تصمیم گیری حضرت علی علیه السلام به ازدواج مجدد

ده سال پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام ، بنابر وصیت خود حضرت فاطمه علیها السلام وقتی علی علیه السلام به فکر گرفتن همسر دیگری بود، عاشورا در برابر دیدگانش بود. برادرش «عقیل » را که در علم نسب شناسی وارد بود و قبایل و تیره های گوناگون و خصلتها و خصوصیّتهای اخلاقی و روحی آنان را خوب می‌شناخت طلبید. از عقیل خواست که: « برایم همسری پیدا کن شایسته و از قبیله ای که اجدادش از شجاعان و دلیر مردان باشند تا بانویی این چنین، برایم فرزندی آورد شجاع و تکسوار و رشید.»

قبل از هر چیز ذکر این نکات مناسب است

آگاهان به انساب در گذشته از نظر دینی واجتماعی واخلاقی موقعیت ممتازی داشتند وهمانند سایر دانشمندان مورد مراجعه افراد بوده اند از جمله عقیل فرزندابوطالب بود وی علاوه بر شرافت خانوادگی ومجد وعظمتی که به جهت هاشمی بودن داشت ،به انساب وقبایل عرب آگاه بود وخانواده های شریف وخوشنام را از قبایل وخانواده هایی که اخلاق رذیله وصفات نکوهیده داشتند ،باز میشناخت وبدین جهت نیز افراد برای انتخاب بهتر درمورد همسر ودایه که طبعا باید از میان خانواده های اصیل انتخاب شود به وی رجوع میکردند چه آنکه در شرع مقدس نیز تاکید شده است برای انعقاد نطفه فرزند آینده تان محل مناسبی (رحم) انتخاب کنید چه آنکه دایی فرزندتان در انتقال صفات همانند همسر شما که مادر فرزندتان است ،موثر است(۱) پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است : ای مردم! برحذر باشید از سبزه زاری که بر روی مزبله (منجلاب) می روید. سؤال شد از حضرت: سبزه زاری که بر مزبله بروید چیست؟ حضرت فرمود: زن زیبارویی که در خانواده پلید و نادرست رشد کرده باشد. (۲) صفدی نقل

میکند عقیل یکی از کسانی بود که نظر وگفته اش در علم انساب حجت بود ودر مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای وی حصیری میگذاردند که برآن نماز میکرد وقبائل عرب برای شناخت وآگاهی از علم انساب به دورش جمع میشدند واودرپاسخ مراجعات ،بسیار سریع الانتقال بود(۳) از این روست که علی بن ابیطالب علیه السلام آنگاه که قصد ازدواج دارد به برادر خویش، عقیل بن ابی طالب که در علم «انساب » معروف بود و ذهن و سینه اش گنجینه ای از اسرار خاندان گوناگون عرب بوده می فرماید: «زنی را برای من اختیار کن که از نسل دلیرمردان عرب باشد تا با او ازدواج کنم و او برایم پسری شجاع و سوارکار به دنیا آورد.» (۴) عقیل، بانو ام‌البنین از خاندان بنی‌کلاب را که در شجاعت بی‌مانند بود، برای حضرت انتخاب کرد. ودر در پاسخ برادر گفت: «با ام البنین کلابیه ازدواج کن زیرا در عرب شجاعتر از پدران و خاندان وی نیست.» (۵) و سپس در مورد جد مادری ام البنین، ابوبراء عامر بن مالک، که در آن روز از جهت دلاوری و شجاعت کم نظیر بود می گوید: «ابوبراء عامر بن مالک جد دوم فاطمه کلابیه از شجاعت در میان قبایل عرب بی نظیر است و کسی را شجاع تر از او جز حضرتت نمی شناسم از این رو او را بازی کننده با شمشیرها (ملاعب الاسنهٔ) می نامند.» (۶) عقیل همچنین از دیگر خصوصیات بارز خاندان بنی کلاب میگوید و امام این انتخاب را پسندید و عقیل را به خواستگاری نزد پدر ام‌البنین فرستاد گویی نگاه نافذ علی از مرز زمانها عبور کرده و کربلا را با همه سختیهایش می بیند و برای یاری حسین علیه السلام از امروز در پی مادری شجاع از خاندان شجاع و دلیر است تا فرزندی چونان عباس، پدر فضیلتها، به دنیا آورد و او یاری گر حسین در کربلاباشد.

یک شبهه

چراحضرت علی علیه السلام که خود امام مسلمین وحجت خداوند درزمین ودریای علوم وغیره... بود خود همسرش را انتخاب نکرد واین کار را به برادرش عقیل سپرد او که خود به همه چیز آگاهی داشت ؟ گفتن این نکته ضروری است که علم وآگاهی عقیل ودیگران با شناخت وعلم حضرت امیرالمومنین علیه السلام به احوال قبائل وشجاعان ودلاوران عرب ،قابل مقایسه نیست تا مقام مقدس ولایت نیازمند نظر عقیل باشدآیا کسی که نر وماده مورچگان را میشناسد به قبایل عرب آگاهی ندارد ؟ ابوذر غفاری نقل میکند : من وامیرالمومنین علیه السلام به بیابانی وارد شدیم که مورچه بسیاری داشت من گفتم منزه است خدایی که تعداد این مورچگان را میداند حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمودند اینچنین نگو بلکه بگو : منزه است خدایی که خالق این مورچگان می باشدچه آنکه به خدا قسم من تعداد اینها را میدانم ونروماده آنان را میشناسم (۷) همچنین حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمودند : شیعیان ما از طینت وسرشت ویژه ای قبل از خلقت آدم خلق شده اند واز جمع آنها نه چیزی کم ونه چیزی اضافه میشود ومن آنگاه که به آنان نظر می افکنم همه را میشناسم ونیز دوست ودشمنم را می شناسم واسامی آنان وپدران وعشایر ونژادشان در نزد ما نوشته وموجود است (۸) بنابراین کسی که چنین علمی دارد نیازی به اینکه عقیل قبیله های عرب را به وی بشناساند ندارد نهایت اینکه فرمایش حضرت علی علیه السلام به عقیل به این جهت است که امور جریان عادی خود را طی کند ،وچه بسا در افعال واعمال ذوات مقدسه ائمه هدی علیهم السلام مصالح وحکمت هایی وجود دارد که ما پاره ای از آنها را درک میکنیم وپاره ای دیگر برما پوشیده ونزد خود آنان می باشد حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز که به فیض اقدس واراده الهیه موید بوده واز هرگونه اظهار نظر دیگران بی نیاز بودند با اصحاب مشورت میفرمودند شاید نکته دیگری نیز اضافه برآنچه ذکر شد در این کار باشد وآن اینکه : استبداد وخود رایی اگرچه انسان به بالاترین مراتب عقلی هم رسیده باشد اشتباه است ،وبدین ترتیب اصحاب نیز از فوائد مشورت با دیگران همانند منافع استخاره آگاه میشدند از فرموده های حضرت رسول است که : هرکه به نظر ورای خود خوشبین باشد گمراه میشود ،وهرکه با تکیه به عقل خود ،خویشتن را بی نیاز داند لغزش یابد کسی که درکارها مشورت کند پشیمان نگردد ،وآن که استخاره کند زیان نبیند(۹) ما درتاریخ موارد بسیاری را میخوانیم که ائمه چگونه با دیگران در کارها مشورت میکردند واز نظرات

آنها استفاده میکردند تمام آن موارد برای آگاه کردن افراد به این نکته بود که در کارها چگونه باید با آرامش وبدون شتابزدگی عمل کرد امام رضا علیه السلام میفرمایند :پدر مقدس وگرمیشان حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام با اینکه در عقل وخرد با هیچکس قابل مقایسه نبود ولی گاهی با با بردگان وغلامان مشورت مینمودند وبه نظر آنان در مورد باغات واملاک عمل میفرمودند وهنگامی که برخی سئوال مینمودند که چرا با بردگان مشورت میکنید ؟میگفتند : چه بسا مطالب صحیح که از زبان آنان جاری میشود . ائمه علیهم السلام با اینکه به تمام گذشته وآینده آگاهی واطلاع داشتند در زندگی در مواردی که میدانستند قضای حتمی پروردگار در پیش نیست از وسائل عادی مانند مراجعه به پزشک در هنگام بیماری وغیره استفاده میکردند . حضرت علی علیه السلام نیز در انتخاب همسر همینگونه عمل کردند البته از فرمایش ایشان به عقیل معلوم میشود که با وی مشورت نکردند بلکه از او خواستند تا با توجه به آشنایی او به انساب وآگاهی وی به خانواده های محترم ،بانویی شایسته از شجاع زادگان را برایشان خواستگاری کند. [بحث در مورد اینکه چرا علی علیه السلام که خود «باب علم النبی» بود از عقیل یاری می خواست از حوصله مقاله ما خارج است و با رجوع به کتابهایی چون قهرمان علقمه و العباس و ... می توان دلیل آن را یافت.]

مشخصات عروس انتخاب شده چه بود ؟

دیدیم که عقیل به برادرش امام علی علیه السلام فاطمه کلابیه را معرفی کرد وامام علی علیه السلام هم آن راپذیرفت حال باید ببینیم این عروس خوشبخت چه ویژگیهایی داشت که لیاقت پیداکرد عروس حضرت علی علیه السلام شود

نام ونسب فاطمه کلابیه (از تبار خورشید)

نام او فاطمه بود که بعدها پس از ازدواج با حضرت علی علیه السلام با کنیه" امُّ البنین ("مادر پسران) مشهورشد. پدر و مادرش از خاندان بنی کلاب از اجداد بزرگ حضرت محمد صلی الله علیه و آله بودند و دارای خوبیها و صفات خانوادگی مشترک بودند فاطمه دختری پاکدل وباتقوا بود . وی شرافت خانوادگی و اصالت ذاتی و پاکی فطری را با نیروی جسمانی و زیبایی اندام یکجا به همراه داشت. روان پاک و روح تابناک این بانوی پاکدامن که بعدها به ام‌البنین شهرت یافت چنان در آسمان ایمان می‌درخشید که پس از فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بلندترین مقام را در میان زنان مسلمان احراز کرد. فضایل اخلاقی، کمالات انسانی، نیروی ایمانی، ثبات و پایداری، شکیبایی و بردباری، بصیرت و دانایی، نطق و سخندانی او را به شایستگی ، بانوی بانوان کرده بود.

حزام بن خالد بن ربیعهٔ بن وحید بن کعب بن عامر بن کلاب

» (۱۰) پدر ام البنین است مردی شجاع و دلیر و راستگو که از صفات ویژه او اوست. وی از استوانه‌های شرافت در میان عرب به شمار می‌رفت و در بخشش، مهمان‌نوازی، دلاوری و رادمردی و منطق قوی مشهور بود.تاریخ ویژگیهای این مرد بزرگ را به مناسبتهای گوناگون چون جریان خواستگاری ام البنین و ازدواج حضرت علی علیه السلام ذکر می کند مادر بزرگوار ام البنین، «ثمامه (یا لیلی) دختر سهیل بن عامر بن جعفر بن کلاب (از اجدادرسول خدا وامیرالمومنین)» (۱۱) است که در تربیت فرزندان کوشا بوده و تاریخ از وی چهره درخشانی را به تصویر کشیده است. بینش عمیق، دوستی با اهل بیت و دوستی با فرزندان در کنار وظیفه مهم مادری و چونان معلمی دلسوز آموختن باورهای اعتقادی و مسایل مربوط به همسرداری و آداب معاشرت با دیگران از جمله ویژگیهای خاص این بانو است. در بسیاری از کتب تاریخی نام یازده تن از مادران وی ذکر شده است که همگی از خانواده های شریف و اصیل عرب بوده اند و به واقع مصداق بارز «شجره طیبه (۱۲) » می باشند شجره ای که اصل آن در زمین است و فرع

آن در آسمانها و حاصل و نتیجه این درخت پاک همانا عباس بن علی و عثمان و لبید شاعر و ابوبراء بن عامر و ... بوده اند خاندان این بانو از خاندان‌های ریشه‌دار و جلیل‌القدر بود که به دلیری و دستگیری معروف بودند وهر یک در بزرگی و شرافت به گونه ای مشهور گشته اند و ما جهت اختصار به برخی از ویژگیهای آنان می پردازیم.

مورخان در مورد شرافت نسب ام البنین می نویسند

«تاریخ پدران و داییهای ام البنین را به ما می شناساند و ما دانستیم که آنان از سوارکاران شجاع عرب در جاهلیت بوده و شرافت و آقایی (سیادت) آنها به حدی بوده است که حتی پادشاهان نیز به آن اذعان داشته اند.»(۱۳)

عامر بن طفیل

عامر برادر ((عمره))، مادر مادربزرگ ((ام البنین)) بود که از معروفترین سواران عرب به شمار می رفت و آوازه دلاوری او در تمام محافل عربی و غیر آن پیچیده بود تا آنجا که اگر هیاتی از عرب نزد قیصر روم رفت در صورتی که با عامر نسبتی داشت ، مورد تجلیل و تقدیر قرار می گرفت وگرنه توجهی به آن نمی شد.

عامر بن مالک

جد دوم (مادری) فاطمه، ام البنین، ابوبراء عامر بن مالک است که در عرب معروف است به «ملاعب الاسِنَّةَ» یعنی بازی کننده با نیزه ها، زیرا شجاعت و دلاوری او به حدی بود که جنگ برایش بازی با نیزه ها بود. علاوه بر دلاوری ، از پایبندان به پیمان و یاور محرومان بود و مردانگی او ضعیفان را دستگیر بود که مورخان در این باب نمونه های متعددی از او نقل کرده اند. عقیل به برادر بزرگوارش علی علیه السلام می گوید: «ابوبراء عامر بن مالک جدّ دوم فاطمه در شجاعت در میان قبایل بی نظیر بوده و کسی را شجاعتر از او جز حضرتت نمی شناسم و از این رو او را «ملاعب الاسنّهٔ» می خوانند.»(۱۴) مورخان او را جنگاوری توانا و اسب سواری بی نظیر و در حفظ عهد و پیمان کوشا می دانند. «عامر» برادری به نام «طفیل» داشت که از جمله شجاعان عصر خود بود و تمام جنگجویان به قدرت بازو و مهارت وی در شمشیر زدن اعتراف می کردند. او عموی مادر ام البنین بود.

عروهٔ بن عتبه

عروه پدر ((کبشه)) نیای مادری ام البنین و از شخصیتهای برجسته در عالم عربی بود. به دیدار پادشاهان معاصر خود می رفت و از طرف آنان مورد تجلیل و قدردانی قرار می گرفت و پذیرایی شایانی از او به عمل می آمد(۱۵) اینان برخی از اجداد مادری حضرت ابوالفضل (علیه السّلام) هستند که متصف به صفات والا و گرایشهای عمیق انسانی بوده اند و به حکم قانون وراثت ، ویژگیهای والای خود را از طریق ام البنین به فرزندان بزرگوارش منتقل کرده اند. یکی دیگر از چهره های برجسته خاندان خجسته تاریخ، «لبید» پسر سهیل بن عامر است که از شاعران برجسته عرب بوده و در عرصه شعر و ادب کم نظیر می باشد؛ او دایی ام البنین است. «لبید» برای نعمان بن منذر، پادشاه حیره، شعر زیبایی را در شأن شجاعت قبیله بنی کلاب و خاندان خود، بنی عامر، می سراید که در عرب هیچ کس وی را انکار نکرد و این نمایانگر شناخت مردم نسبت به ویژگیهای والای این خاندان است. او چنین می خواند:

یا واهبَ الخیر الجزیل من سعهٔ ***

نحن بنو ام البنین الاربعهٔ

و نحن خیر عامر بن صعصعهٔ ***

المطعمون الجفنهٔ المدعدعهٔ(۱۶)

«ای بخشنده خیر فراوان! ما فرزندان مادر چهار پسریم و از نسل خوب صعصعه هستیم که در جنگ، با ضربات شکننده، جمجمه دشمن را در هم می شکنیم.»

در مورد نَسب مادری ابوالفضل العباس علیه السلام در کتب تاریخی مطالب زیادی هست که صاحب کتاب بطل العلقمی در حدود ۹۵ صفحه از این خاندان سخن می گوید و از خصلتهای پسندیده آنان با دقت و ظرافت تمام می نویسد. شاید بتوان با یک جمله تصویری از خاندان «ام البنین» ترسیم کرد و آن اینکه پدران و مادران و خاندان ام البنین در شجاعت، کرم، اخلاق، هنر و وجاهت اجتماعی و بزرگواری پس از قریش، سرآمد قبایل گوناگون عرب بوده اند. شجاعت، ادب، ایثار و هزاران صفت نیک که در رگهای کودکان جاری است سرچشمه در وجود نیکو مادرانی دارد که خوبیهای هستی قسمتی از ارث آنان است. و همیشه تاریخ، مادران برجسته، این بهشتیان زمینی، مادر خوبیها و جوانمردیها و رشادتها بوده اند. گفتنی است که آشنایی با اخلاق و خصلتهای یک خانواده و حتی خاندان، ما را در شناخت ویژگیهای فردی افراد و خویها و خصلتهای آنان یاری می کند زیرا قانون وراثت از جمله قوانین علمی است که با گذشت زمان بیش از پیش اثبات شده و می شود و آثار آن برای غیر عالمان نیز مشهود و هویداست. اسلام بیش از هر آیین دیگری به قانون وراثت و ژنتیک احترام گذاشته و ما به وضوح در معارف و مبانی اسلامی اهمیت آن را می بینیم. به عنوان نمونه، پیامبر بزرگ اسلام، این سفیر سعادت، در مورد انتخاب همسر می فرماید: «علیکم بذات الدّین»(۱۷) بر شما باد که همسر دیندار انتخاب کنید. و نیز می فرماید: «اذا جاءکم من ترضون خُلقَه و دینَهُ فزوّجوه و ...»(۱۸) با کسانی ازدواج کنید که اخلاق و دین آنان پسندیده باشد و ...» این دو نکته مورد نظر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد شخص و شخصیت همسر است که متدین و خوش اخلاق باشد. آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله به افقی دورتر می نگرد به امت خود چنین می فرماید: «تزوّجوا فی الحجر الصالح فانّ العِرْقَ دسّاس».(۱۹) در دامان (خانواده) صالح و شایسته ازدواج کنید زیرا عِرْق (ژنها) تأثیرگذار هستند. اثرگذاری ژنها در فرزندان چنان زیاد است که رسول خوبیها، حضرت محمد صلی اللّه علیه و آله، به جوانان امر می کند که برای ایجاد نسل خوب، به خانواده همسر آینده توجه داشته باشند. و با عبارت اندیشمندانه خود در زمانی که هیچ گونه آزمایشگاه «ژنتیک» وجود نداشت می فرماید: «فانّ الابناء تشبَهُ الاخوال»(۲۰) همانا فرزندان از داییها شکل می گیرند و همواره مردم را نهی می کرد از ازدواج با دختران خوب و زیبایی که در دامان خانواده های پلید و ناصالح رشد کرده اند. (خضراءالدمن) از میان جوانمردان جاودانه تاریخ، عباس بن علی علیه السلام ، تندیس ادب و شجاعت، درخششی دارد به وسعت تمامی هستی و این درخشندگی نخواهد بود مگر از پشت چهره مهربان و برجسته مادری به نام ام البنین. اکنون که تا حدی به اهمیت خانواده و خاندان در شکل گیری شخصیتها پی بردیم و دانستیم که اصل پاک و ریشه پاک، به یقین میوه ای طاهر خواهد داد ارزش «علمِ انساب» بر ما مشخص می شود و به عظمت جمله عقیل آنجا که به علی علیه السلام می گوید: «تزوّج ام البنین الکلابیهٔ فانه لیس فی العرب اشجعُ من آبائها»(۲۱) «با ام البنین کلابیه ازدواج کن زیرا شجاعتر از پدران و اجداد وی در عرب نیست» واقف می شویم

ام البنین علیها السلام و تولدی نورانی

در کتب تاریخی نوشته اند: حَرام بن خالد به همراه جمعی از «بنی کلاب» به سفر رفته بود. در یکی از شبها به خواب فرو رفته و در عالم رؤیا دید که در زمین سرسبزی نشسته است و مرواریدهای درخشانی از اطراف بر جماعت و بر دستان او می ریزد و او از زیبایی آنها متعجب می شود. سپس مردی را می بیند که به سوی او می آید ـ از طرف بلندی ـ و هنگامی که به او می رسد سلام می کند و حرام او را جواب می دهد. آن مرد به او می گوید: «این مروارید را به چه قیمت می فروشی؟» حرام نگاه کرد و آن درّ

زیبـا را در دسـتان خـود دیـد؛ رو بـه مرد کرده و گفـت: «من قیمت این درّ را نمی دانم که به شـما بگـویم، شـما آن را به چه قیمت خریداری؟» مرد گفت: من نیز نمی دانم قیمت او را ولی این هدیه ای است که یکی از پادشاهان عطا کرده است. و من ضامن هستم برای تو به چیزی که از درهم و دینار بالاتر است.» حرام گفت: آن چیز چیست؟ مرد گفت: تضـمین می کنم که او شرافت و سیادت ابدی دارد و بهره و بزرگی از او است. حرام گفت: آیا این را برایم ضـمانت می کنی.و مرد پاسخ داد: آری. و حرام در پایان به مرد گفت: و تو اکنون واسطه در این امر می شوی. و مرد نیز گفت: و من واسـطه می شوم؛ او را به من اعطـاء کرده انـد و من به تو عطا می کنم. وقتی حرام از خواب بیـدار شـد رؤیای خود را برای بنی کلاب گفت و خواسـتار تعبیر آن شـد. یکی از خاندان وی گفت: «اگر رؤیای صادقه باشد دختری روزی تو خواهد شد که یکی از بزرگان او را عقد خواهد کرد و به سـبب این دختر مجد و شـرافت و آقایی نصـیب تو خواهد شد.» و هنگامی که او از سـفر برگشت، ثمامهٔ بنت سـهیل، همسـر باوفای او، حامله بود و هنگام بازگشـت همسـرش از سـفر وضع حمل کرده و دختری چونان مروارید درخشان وزیبا به دنیا آورد.حرام پس از آگاه شدن از تولد دخترش به خود گفت:«قـد صـدّقت الرؤیا» و از این بشارت شاد و مسـرور شـد.(۲۲) نـام او را «فـاطمه» نهـاد، و بـه رسم عرب کنیه ای برای وی برگزیدنـد که «ام البنین» بود. پـدران و مـادران و خانـدان ام البنین در شـجاعت، کرم، اخلاـق، هنر و وجاهت اجتماعی و بزرگواری پس از قریش، سـرآمد قبایل گوناگون عرب بوده اند. گفتنی است اگر چه خواب همواره حجت نیست ولی می تواند راهنما و دلیل خوبی باشـد و در تاریخ می بینیم که بسـیاری از انبیاء و اولیاء خدا در زندگانی خویش خوابهایی می دیدند که در مسـیر زندگی با آنها راهنمایی می شدند. خواب حضرت یوسف علیه السلام در کودکی و خواب عبدالمطلب برای قربانی فرزند خود و خواب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگها و نمونه های فراوان دیگری وجود دارد که در قرآن یا کتب روایی یافت می شونـد که نباید به آنان با دیـده حقـارت نگریست. به هر حـال پس از این رؤیـای صـادقه فـاطمه، مادر فضـلیتها، به دنیا آمـد و دوران کودکی را چونان دیگر کودکان گذرانـد و در دامان مادری مهربان و پاک و پدری شـجاع که دارای سـجایای اخلاقی فراوان بودند رشد کرد. مورخان در مورد مـادر بزرگوار فاطمه این گونه می نویسـند: و کانت ثمامـهٔ ادیبـهٌ کاملـهٌ عاقلـهٌ فادَّبَتْ ابنتها بِآداب العرب و علَّمتها بما ینبغی ان تعلمها من آداب المنزل و تأدیهٔ الحقوق الزوجیهٔ و غیر ذلک مما تحتاجه فی حیاتها العامهٔ.(۲۳) «ثمامه، مادر ام البنین، بانویی ادیب و کامـل و عاقـل بود. آداب عرب را به دخترش آموخت و هر آنچه مورد نیـاز یـک دختر است در زنـدگانی از مسایل مربوط به خانه داری و اَدایِ حقوق (دیگران) و همسـرداری و غیره را به او یاد داد.» لازم به ذکر است که شایسـتگی تعلیم و باور حقیقتها در وجود ام البنین بوده است که بذر تعلیم مادر، در سرزمین افکار و اندیشه او شکوفا شده است. و این گونه پاک بانوی بنی کلاب به رشد و پویـایی جسـمی و روانی رسـید به گونه ای که در عرب ضـرب المثـل بود و نه تنهـا در حُسن و جمـال و عفاف که در علم و ادب و اخلاق مورد نظر اهل دقت و بینش بوده است. اثرگـذاری ژنها در فرزندان چنان زیاد است که رسول خوبیها، حضـرت محمد صـلی اللّه علیه و آله، به جوانان امر می کند که برای ایجاد نسل خوب، به خانواده همسر آینده توجه داشته باشند

تاریخ تولد ام البنین

در مورد تاریخ دقیق ولادت حضـرت ام البنین اطلاعی در دست نیست و تاریخ‌نگارانْ سال ولادت او را ثبت نکرده‌اند، ولی یاد آور شده‌انـد که تولد پسـر بزرگ ایشان، حضـرت ابوالفضل علیه‌السـلام ، در سال ۲۶ ق اتفـاق افتاده است. برخی از تاریـخ‌نگارانْ زمان ولادت ایشان را در حدود پنج سال پس از هجرت (در حوالی کوفه) تخمین می‌زنند

ویژگی های بارز خاندان ام البنین

در خاندان و تبار پاک ام البنین چند ویژگی مهم وجود دارد که همگی در وجود عباس علیه السـلام به ظهور رسید الف: شجاعت و

دلاوری که در کربلا زیباترین چهره خویش را نمایانـد. ب: ادب و متانت و عزت نفس که در زنـدگانی ۳۴ ساله عباس بن علی به وضوح دیده می شود. ج: هنر و ادبیات که ام البنین از «دایی » خویش لبید شاعر به ارث برده بود و فرزند عزیزش عباس علیه السلام از مادر ادیبه خود. [البته شاعران دیگری در این خاندان می زیسته اند.] د: ایثارگری و احترام به حقوق دیگران که نمود آن در عشق به ولایت و امامت متجلی شد. ه: وفا و پایبندی به تعهدات.

مراسم خواستگاری از ام البنین

حضرت علی علیه السلام پس از اینکه فاطمه کلابیه را تایید کرد وپسندید عقیل برادرش را برای خواستگاری به نزد پدر فاطمه فرستاد و حرام که بسیار میهمان دوست بود پذیرایی کاملی از او کرده و با احترام فراوان به او خیرمقدم گفته و در مقابل وی قربانی کرد. سنت و رسم عرب این بود که تا سه روز از میهمان پذیرایی می کردند و روز سوم حاجت او را می پرسیدند و از علت آمدنش سؤال می کردند و خانواده ام البنین که خارج از مدینه زندگی می کردند نیز چنین رسمی را به جای آوردند. روز چهارم با ادب و احترام از علت ورود وی جویا شدند و عقیل گفت: به خواستگاری دخترت فاطمه آمده ام، برای پیشوای دین و بزرگ اوصیا و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب. حزام که هرگز پیش‌بینی چنین پیشنهادی را نمی کرد، حیرت‌زده ماند. با کمال صداقت و راستگویی گفت : بَه بَه چه نسب شریفی و چه خاندان با مجد و عظمتی! اما ای عقیل «شایسته امیرالمؤمنین یک زن بادیه نشین با فرهنگ ابتدایی بادیه نشینان نیست. او با یک زن که فرهنگ بالاتری دارد باید ازدواج کند و این دو فرهنگ با هم فرق دارند.» عقیل پس از شنیدن سخنان وی گفت: امیرالمؤمنین از آنچه تو می گویی خبر دارد و با این اوصاف میل به ازدواج با او دارد. پدر ام البنین که نمیدانست چه بگوید از عقیل مهلت خواست تا از مادر دختر، ثمامه بنت سهیل، و خود دختر سؤال کند و به او گفت: «زنان بیشتر از روحیات و حالات دخترانشان آگاه هستند و مصلحت آنها را بیشتر می دانند.» (۲۴) آنچه در جریان صحبت عقیل و حرام بن خالد مورد نظر است و الگوی خانواده های امروز می تواند باشد، موارد زیر است: الف) اکرام و احترام به میهمان حتی اگر ناشناس بوده و هدفش نیز ناشناخته باشد. ب) احترام متقابل میهمان نسبت به میزبان و حفظ آداب و رسوم آنان چنان که عقیل انجام داد. ج) صداقت خانواده عروس در بیان حقایق اگر چه به نفع آنان نباشد. د) صراحت بیان خانواده داماد و عدم توجه به معیارهای غیر منطقی چون ثروت و مقام و شهری بودن و ... ه) ●●●توجه پدران به نظر مادرها در امر ازدواج دخترهایشان. و) توجه و اهمیت دادن به نظر دختر برای انتخاب همسر آینده اش. ز) در نظر گرفتن نکات خاص روانشناسی اگر چه سطحی باشد در مسایل خانواده و مراعات ادب. سخنان این دو بزرگوار، عقیل و حرام، به پایان رسید و حرام به سوی دختر بافضیلت خود، ام البنین آمد برای شنیدن پاسخ نهایی از وی... وقتی پدر ام البنین به نزد همسر و دخترش برگشت دید همسرش موهای ام البنین را شانه می زند و او از خوابی که شب گذشته دیده بود برای مادر سخن میگوید...

خواب ام البنین یک شب قبل از خواستگاری

در روز خواستگاری ام البنین در حالی که مادرش موهای او را شانه می کرد خوابی را که شب گذشته دیده بود برای مادر تعریف می کرد و خواستار تعبیر آن بود؛ او گفت «مادر خواب دیدم که در باغ سرسبز و پردرختی نشسته ام. نهرهای روان و میوه های فراوان در آنجا وجود داشت. ماه و ستارگان می درخشیدند و من به آن ها چشم دوخته بودم و در باره عظمت آفرینش و مخلوقات خدا فکر می کردم. در مورد آسمان که بدون ستون بالا قرار گرفته است و همچنین روشنی ماه و ستارگان ... در این افکار غرق بودم که ماه از آسمان فرود آمد و در دامن من قرار گرفت و نوری از آن ساطع می شد که چشمها را خیره می کرد. در حال تعجب و تحیر بودم که سه ستاره نورانی دیگر هم در دامنم دیدم. نور آنها نیز مرا مبهوت کرده بود. هنوز در حیرت و تعجب بودم که

هاتفی ندا داد و مرا با اسم خطاب کرد من صدایش را می شنیدم ولی او را نمی دیدم گفت:

بشراکِ فاطمةُ بسادهٔ الغُرَر ***

ثلاثهٔ انجم و الزاهر القمر

ابوهم سیّد فی الخلق قاطبهٔ ***

بعد الرسول کذا قد جاء فی الخبر

«فاطمه مژده باد تو را به سیادت و نورانیت. به ماه نورانی و سه ستاره درخشان پدرشان سید و سرور همه انسانهاست بعد از پیامبر گرامی و اینگونه در خبر آمده است.»

پس از خواب بیدار شدم در حالی که می ترسیدم. مادرم! تاویل رؤیای من چیست؟!» مادر به دخترك فهیمه و عاقله خود گفت: «دخترم رؤیای تو صادقه است ای دخترکم به زودی تو با مرد جلیل القدری که مجد و عظمت فراوانی دارد ازدواج می کنی. مردی که مورد اطاعت امت خود است. از او صاحب ۴ فرزند می شوی که اولین آنها مثل ماه چهره اش درخشان است وسه تای دیگر چونان ستارگانند.» پس از صحبتهای دوستانه و صمیمانه مادر و دختر، حزام بن خالد وارد اتاق شد و از آنها در مورد پذیرش علی علیه السلام سؤال کرد و گفت: آیا دخترمان را شایسته همسری امیرالمؤمنین علیه السلام می دانی؟ بدان که خانه او خانه وحی و نبوت و خانه علم و حکمت و آداب است اگر او را (دخترت را) اهل و لایق این خانه می دانی - که خادمه این خانه باشد - قبول کنیم و اگر اهلیت در او نمی بینی پس نه؟ همسر او که قلبی مالامال از عشق به امامت داشت گفت: ای «حزام » به خدا سوگند من او را خوب تربیت کردم و از خدای متعال و قدیر خواستارم که او واقعا سعادتمند شود و صالح باشد برای خدمت به آقا و مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام پس او را به علی بن ابیطالب، مولایم، تزویج کن. (۲۵) اگر چه خواب حجت نیست و جهت امور مهمی مثل ازدواج نمی توان تنها به خوابها اکتفا کرد ولی راهنمای خوبی برای رسیدن به مقصود می باشد اگر بیننده خواب مهذب باشد و طهارت ظاهری و باطنی را حفظ کند و اندیشه های شیطانی و خطورات ذهنی پراکنده نداشته باشد خوابهای او دارای تعبیر و تاویل مناسبی خواهد بود. ام البنین از شخصیتهایی بود که این طهارت را داشته و همواره در رفتار و کردار خویش راه صحیح و مناسب را پیش می گرفته است و از این رو رؤیای او به این زیبایی لباس واقعیت و حقیقت می پوشد و چهار پسر برای سید عالمیان علی علیه السلام می آورد که یکی قمر بنی هاشم می شود و دیگران نیز ستارگان آسمان ولایت و امامت هستند. اکنون با توجه به خواب حرام بن خالد قبل از تولد فرزندش «ام البنین» و نیز با نظر به صداقت اعراب بادیه نشین و بویژه خاندان و خانواده او و همچنین خوابی که قبل از ازدواج توسط خود فاطمه نقل می شود درمی یابیم که ازدواج علی علیه السلام و فاطمه کلابیه ازدواج آسمانی بوده و خداوند برای پرورش مرواریدی چون عباس علیه السلام صدف پاك و مطهری چون ام البنین را که میزبان شایسته ای بود قرار داده است و از میان زنان عرب او را برگزیده است. گفتنی است که شیخ عبدالعظیم ربیعی در دیوان شعر خود در مرثیه عباس بن علی علیه السلام قصیده ای سروده است که در حاشیه آن اشاره به این رؤیا کرده و در مضمون شعر، این رؤیا را وارد کرده است. عقیل با اجازه از ام البنین عقد بین این دو بزرگوار را اجرا کرد با مهریه ای که سنت رسول اللّه صلی الله علیه و آله بود و برای دختران و همسران خود معین کرده بود و آن ۵۰۰ درهم بود در حالی که پدر او می گفت: «او هدیه ای است از سوی ما به پسرعموی رسول خدا و ما طمع به مال و ثروت او ندوخته ایم.»(۲۶) برقرار شد اینگونه ازدواج آسمانی و پیوند خجسته و مبارك بین سید اوصیاء و مادر شجاعتها صورت می گیرد و در طول زندگی مشترك همواره اطاعت و احترام و تکریم و ملاطفت در مورد فرزندان علی علیه السلام از سوی ام البنین مشهود بوده است.

تاریخ ازدواج ام البنین با حضرت علی علیه السلام

گروهی از مورخان بر آنند که علی علیه السلام با ام البنین بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام ازدواج نمود . دسته ای دیگر می گویند که این امر بعد از ازدواج حضرتش باامامه بوده، اما در هر حا ل ، مسلم است این ازدواج بعد از شهادت صدیقه کبری صورت گرفته است . سالی که ام البنین به همسری امام علی علیه السلام برگزیده شد به طور دقیق معلوم نیست ولی تاریخ نویسان با توجه به اختلاف نظر در سن حضرت عباس علیه السلام که در زمان شهادت ۳۲ تا ۳۹ ساله نوشته‌اند و میلاد آن حضرت را در سال ۲۴ یا ۲۶ هجری قید کرده‌اند. معتقدند ازدواج ام‌البنین به تحقیق قبل از سال ۲۳ هجری واقع شده است. و برخی معتقدند از تاریخ ازدواج فاطمه، ام‌البنین تا زمان تولد حضرت عباس علیه السلام ۱۰ سال فاصله شده و اگر این قول درست باشد، تاریخ این ازدواج فرخنده سال ۱۳ یا ۱۶ هجری بوده است. برخی از تاریخ نویسان نوشته‌اند ابوالفضل العباس علیه السلام در جنگ صفین حضور داشته و در آن زمان ۱۵ تا ۱۷ ساله بوده است. اگر این قول درست باشد چون پیکار اصلی صفین در ماه صفر سال ۳۷ هجری اتفاق افتاده، بنابراین تولد آن حضرت در سال ازدواج علی علیه السلام با ام‌البنین صحیح به نظر نمی‌رسد و محتمل است سال ۱۲ هجری این وصلت میمون به وقوع پیوسته است.

ازدواج ام البنین وعلی علیه السلام الگویی برای جوانان

آنگاه که مولای متقیان، علی بن ابی طالب علیه السلام ، تصمیم به انتخاب همسری شایسته گرفت نزد برادر خود، عقیل، رفته و برای این امر مهم از وی کمک خواست تا با استفاده از دانش خود، همسری شجاع و مهربان و صالح به او معرفی کند. سخن حکیمانه علی علیه السلام به عقیل دارای نکات بسیار مهم تربیتی و اخلاقی است. حضرت چنین می فرماید: اُنظر لی اِمرأة ولدتها الفحولة من العرب لاتزوّجها فتلد لی غلاما فارسا.(۲۷) «برای من همسری را انتخاب کن که از نسل دلیرمردان عرب باشد تا با او ازدواج کنم و او برایم فرزندی اسب سوار و شجاع به دنیا آورد.» علی علیه السلام ، این تندیس علم و فقاهت، پیش از آنکه همسری برای خویش بخواهند مادری برگزیده با نسب پاک برای فرزندان خویش می طلبد. افق فکری علی آنچنان بالاست که برای پایه گذاری نسل پاک فردا، امروز با بصیرت و بینش ژرف به خصلتهای مادر آینده فرزندان می نگرد. براستی اگر مادری، «مادرِ فضیلتها» نباشد که فرزندش «ابوالفضل» نخواهد بود. گفتنی است که مورخان می نویسند: زُهیر بن قین در روز عاشورا، پرچم بزرگ را به دست عباس داد و گفت: «ای پسر علی! می خواهم حدیثی را برای تو نقل کنم (و همین حدیث عقیل و انتخاب مادرش را نقل کرد) و به او گفت: و قد اِدَّخرک ابوک لِمثلِ هذا الیوم. «همانا پدرت تو را برای چنین روزی ذخیره کرده بود.»(۲۸) پس مهمترین درسی که از ازدواج حضرت علی علیه السلام و ام البنین، می آموزیم داشتن معیارهای منطقی و صحیح در انتخاب همسر آینده است. اگر جوانان ما معیارهای اخلاقی و معنوی را جایگزین معیارهای مادی و ظاهری کنند زندگی مشترک آنها با سعادت و سلامت خانوادگی توام خواهد بود. ملاکهای مادی و صوری ناپایدار بوده و به زندگی رنگ سبز عشق و محبت نمی بخشد و با از دست دادن یک امتیاز مادی پایه های زندگی ای که با آن ها بنا شده است سست شده و فرو ریختن سقف خانواده حتمی خواهدبود. چنانچه رسول رحمت صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که با زنی به خاطر مال او ازدواج کند خداوند او را به حال خود وا می گذارد و کسی که به خاطر زیبایی زنی با او ازدواج کند در او مسایل ناخوشایند می بیند و آنکه به خاطر دین زن با او ازدواج کند خداوند مال و زیبایی را هم برای او قرار می دهد (جمع می کند بین امتیازات.)» (۲۹)

ورود ام البنین به خانه علی علیه السلام

فاطمه کلابیّه سراسر نجابت و پاکی و خلوص بود. هنگامی که میخواست پابه خانه علی علیه السلام بگذارد گفت تا دختر بزرگ فاطمه علیها السلام اجازه نفرمایند وارد خانه نمیشوم این نهایت ادب او را به خاندان امامت میرساند روز اولی که ام البنین

علیهاالسلام یا در خانه علی علیه‌السلام گذاشت، حسن و حسین علیهماالسلام مریض بوده و در بستر افتاده بودند. عروس تازه ابوطالب، به محض آن‌که وارد خانه شد، خود را به بالین آن دو عزیز عالم وجود رسانید و هم‌چون مادری مهربان به دلجویی و پرستاری آنان پرداخت.وهمواره میگفت من کنیز فرزندان فاطمه هستم (۳۰) وقتی غمِ زهرا، شد همدم مولا تو آمدی ای گل، در خانه گل‌ها بر دربِ حریمِ، کاشانه نشستی یعنی که کنیزِ، این خانه تو هستی

از فاطمه تا ام‌البنین

فاطمه کلابیه، بعد از گذشت مدت کوتاهی از زندگی مشترک با علی علیه‌السلام ، به امیرالمؤمنین پیشنهاد کرد که به جای «فاطمه»، که اسم قبلی و اصلی وی بوده، او را ام البنین صدا زند تا فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام از ذکر نام اصلی او توسط پدرشان، به یاد مادر خویش، فاطمه زهرا علیهاالسلام نیفتند و در نتیجه، خاطرات تلخ گذشته، در ذهن آن‌ها تداعی نگردد و رنج بی‌مادری آن‌ها را آزار ندهد. حضرت علی علیه السلام در همسرش، خردی نیرومند، ایمانی استوار، آدابی والا و صفاتی نیکو مشاهده کرد و او را گرامی داشت و از صمیم قلب در حفظ او کوشید.

ثمره ازدواج ام البنین با حضرت علی علیه السلام

فاطمه کلابیه بنا به نقل تاریخ دومین یا سومین همسر علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است. آنچه در زندگی مشترک این دو بزرگوار مطرح است حس وفاداری به یکدیگر و احترام متقابل می باشد. ثمره ازدواج حضرت علی با او، چهار پسر رشید بود به نامهای: عبّاس، عبدالله، جعفر و عثمان، که به دلیل داشتن همین پسران، او را ام‌البنین، یعنی مادر پسران می‌خواندند. فرزندان ام البنین همگی در کربلا به شهادت رسیدند و نسل ایشان از طریق عُبیداللّه فرزند حضرت ابوالفضل علیه‌السلام ادامه یافت

میلاد فرزند شجاعت

نخستین فرزند پاک بانو ام‌البنین، علمدار کربلا ابوالفضل العباس علیه السلام بود که با تولدش، مدینه به گل نشست، دنیا پر فروغ گشت و موج شادی، خاندان علوی را فرا گرفت. قمری تابناک به این خاندان افزوده شده بود و می‌رفت که با فضایل و خون خود، نقشی جاودانه بر صفحه گیتی بنگارد

باید آری چون ابوالفضل از علی مرتضی ***

والدی را آنچنان مولودی باید اینچنین

زین نور روشن چشم شاه اولیاء ***

جاودان از این کرامت شادمان ام البنین

برخی از محققان برآنند که حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در روز چهارم ماه شعبان سال ۲۶ هجری دیده به جهان گشود. هنگامی که مژده ولادت عباس به امیرالمؤمنین علیه السلام داده شد، به خانه شتافت او را در برگرفت، باران بوسه بر او فرو ریخت و مراسم شرعی تولد را درباره او اجرا کرد. در روز هفتم تولّدش طبق رسم و سنّت اسلامی گوسفندی را به عنوانِ عقیقه ذبح کردند و گوشت آن را به فقرا صدقه دادند امیرالمؤمنین علیه السلام از پس پرده‌های غیب، جنگاوری و دلیری فرزند را در عرصه‌های پیکار دریافته بود و می‌دانست که او یکی از قهرمانان اسلام خواهد بود، لذا او را عباس (دژم: شیربیشه) نامید؛ زیرا در برابر کژی‌ها و باطل، ترش‌رو و پر آژنگ بود و در مقابل نیکی، خندان و چهره گشوده. همان‌گونه که پدر دریافته بود، فرزندش در میادین رزم و جنگ‌هایی که به وسیله دشمنان اهل بیت علیهم السلام به وجود می‌آمد، چون شیری خشمگین می‌غرید، گردان و دلیران سپاه کفر

را درهم می کوفت و در میدان کربلا تمامی سپاه دشمن را دچار هراس مرگ‌آوری کرد. روزی ام البنین وارد اتاق شد. علی علیه السلام را دید که عباس خردسال را روی پاهایش نشانده، آستین‌های کودک را بالا زده و بازوانش را می‌بوسد و به شدت می گرید. ام البنین حیران و نگران علت را پرسید. علی علیه السلام با اندوه پاسخ داد: به این دو دست نگاه می کردم و آنچه بر سرشان می آید، به یاد می‌آوردم. تعجب ام البنین به ترس تبدیل شد: مگر چه بر سر دستان پسرم خواهد آمد؟ و پاسخ شنید که از بازو قطع خواهند شد. پرسید: چرا یاعلی؟ و آنگاه شرح کربلا را شنید و اینکه دستان فرزندش در راه پسر ریحانه رسول، قطع خواهند شد. گریه امانش نمی‌داد، اما شکر خدا را می گفت که پسرش فدای سبط گرامی رسول صلی الله علیه و آله می‌شود. علی علیه السلام مادر عباس را به منزلتی که فرزندش نزد خدا داشت، بشارت داد و گفت که خداوند در عوض دو دست، دو بال به او می‌بخشد تا با ملائکه در بهشت پرواز کند.(۳۱) لبخند بر لبان دختر حزام نشست با تولّد عبّاس، خانه علی علیه السلام آمیخته ای از غم و شادی شد: شادی برای این مولود خجسته، و غم و اشک برای آینده ای که برای این فرزند و دستان او در کربلا خواهد بود.

سفارش به دفاع از ولایت

هنگامی که امام حسین علیه‌السلام آهنگ ترک مدینه و تشرف برای حج و به دنبال آنْ هجرت به سوی عراق کرد، ام البنین علیهاالسلام به همراهان امام حسین علیه‌السلام چنین سفارش می کرد: «چشم و دل مولایم امام حسین علیه‌السلام و فرمان‌بردار او باشید

فرزندانم به فدای حسین علیه‌السلام

«بشیر» پس از واقعه کربلا به مدینه باز می گردد و از وقایع جانسوز کربلا و کربلاییها برای اهل مدینه سخن می گوید. مورخان می نویسند: پس از واقعه کربلا بشیر در مدینه ام البنین را ملاقات می کند تا خبر شهادت فرزندانش را به او بدهد. ام البنین پس از دیدن وی که فرستاده امام سجاد علیه‌السلام بود می گوید: ای بشیر! از امام حسین علیه‌السلام چه خبر داری؟ بشیر گفت: خدا به تو صبر دهد که عباس تو کشته گردید. ام‌البنین فرمود: از حسین علیه‌السلام مرا خبر ده! بشیر خبر شهادت بقیه فرزندان او را هم اعلام کرد، ولی ام‌البنین پیوسته از امام حسین علیه‌السلام خبر می‌گرفت وبا صبر و بصیرتی بی نظیر می گوید: «یا بشیر اخبرنی عن ابی عبدالله الحسین علیه السلام . اولادی و من تحت الخضراء کلهم فداء لابی عبدالله الحسین علیه السلام .» ای بشیر خبر از [امام من]اباعبدالله الحسین بده فرزندان من و همه آنچه زیر این آسمان مینایی است فدای اباعبدالله علیه السلام باد چون بشیر خبر شهادت امام حسین علیه‌السلام را به آن حضرت داد، صیحه‌ای کشید و گفت: قد قَطّعتَ نیاطَ قلبی: ای بشیر! رگ قلبم را پاره کردی و سپس صدا به ناله و شیون بلند کرد.(۳۲) آری معرفت و امام شناسی آن بانوی بزرگوار در حدی بود که در مورد چهار فرزندش ، چنین نگفت ولی در مورد رهبرش امام حسین (ع) چنین فرمود این علاقه او به امام حسین علیه‌السلام دلیل کمال معنویت اوست که آن همه ایثار را در راه مقام ولایت فراموش کرد و تنها از رهبرش سخن به میان آورد. به هر حال، فقدان فرزندانش او را متأثر و ناراحت کرده بود، چنانکه وقتی حضرت زینب علیها السلام سپرخونین حضرت عباس را به عنوان یادگاری به ام البنین نشان داد، وی تا آن رادید چنان دلش سوخت که نتوانست تحمل کند و بی هوش بر زمین افتاد.

مادر چهار شهید

با شهادت چهار فرزند ام‌البنین علیهاالسلام در کربلا، این بانوی شکیبا، به افتخار مادر شهیدان بودن نائل آمد و درکنار همسر شهید بودن، افتخاری دیگر بر صفحه افتخاراتش افزوده شد. وقتی خبر شهادت فرزندانش به او رسید، سرشک اشک از دیده فرو ریخت و

با روحیه‌ای قوی در اشعاری گفت: «ای کسی که فرزند رشیدم عباس را دیدی که همانند پدرش بر دشمنان تاخت، فرزندان علی علیه‌السلام همه شیران بیشه شجاعتند. شنیده‌ام بر سر عباس عمود آهنین زدند، در حالی که دست‌هایش را قطع کرده بودند؛ اگر دست در بدن پسرم بود، چه کسی می‌توانست نزد او آید و با او بجنگد؟» براستی پرورش فرزندانی چنین شجاع که در راه شریعت و ولایت از جان گذشته و به تمامی تعلقات و وابستگیهای خاص دوره جوانی و نوجوانی پشت پا زده و در راه دین و رهبر فدا شوند کاری بس عظیم و ستودنی است. ام البنین، مادر چهار شهید در یک جبهه، الگو و اسوه ای است برای مادران شهدای کربلای ایران. اگر نبود صبر و بردباری و بصیرت این زن در تاریخ اسلام، به یقین دفتر صبر و استقامت بی سرمشق می ماند و مادران شهیدان در ایران باافتخار و سربلندی از جوانان به خاك خفته خویش چنین صبورانه سخن نمی گفتند ام البنین، پاسدار خاطره عاشور: از ویژگی‌های بسیار مهم ام البنین، توجه به زمان و مسائل مربوط به آن است. وی پس از واقعه عاشورا، از مرثیه‌خوانی و نوحه‌سرایی استفاده کرده تا ندای مظلومیت کربلاییان را به گوش نسل‌های آینده برساند. ایشان هر روز به همراه پسرِ حضرت عباس علیه‌السلام ، عبیداللّه که همراه مادرش در کربلا حضور داشت و سند زنده‌ای برای بیان وقایع عاشورا بود، به بقیع می‌رفت و نوحه می‌خواند. و شور و غوغایی بپا می کرد . مردم مدینه اطراف او گرد می آمدند و با او همناله می شدند. (حتی مروان بن حکم حاکم وقت مدینه نیز در میان ایشان بود و گریه می کرد) او با این اشعار، هم حماسه کربلا را بازگو و هم در قالب عزاداریْ به حکومت وقت نوعی اعتراض می‌کرد و مردم را که اطراف او جمع می‌شدند، از جنایات بنی‌امیه، آگاه می‌نمود. امام باقر(سلام الله علیه)میفرماید:آن حضرت به بقیع میرفت و آن قدر جانسوز مرثیه میخواند که مروان با آن قساوت قلب گریه میکرد(۳۳)

صحیفه صفات ام البنین

صفات آسمانی و ویژگیهای والای انسانهای پاك، همواره چونان فانوسی فرا راه پویندگان راه معرفت و کمال است که با این روشنگری، راه هدایت از کوره راههای ضلالت و جهالت باز شناخته می شود. در سایه شناخت این صفات نورانی و الگوگیری از شخصیتهای الهی است که می توان خدایی زیست و جاودانه ماند. شاید بتوان گفت مجموعه صفات ام البنین در ضمن یك جمله زیبا و مختصر از زبان شهید ثانی، زین الدین، ذکر شده است آنجا که این عالم فرهیخته و اندیشمند می گوید: « و کانت ام البنین من النساء الفاضلات العارفات بحق اهل البیت مخلصهٔ فی ولائهم ممحضهٔ فی مودّتهم و لها عندهم الجاه الوجیه و المحلّ الرفیع.» «ام البنین از بانوان با معرفت و پر فضیلت بوده و نسبت به اهل بیت علیهم السلام معرفت و محبت خالص و شدید داشته است و نزد آنان مقام و منزلت بالایی داشت.» (۳۴) اینك برخی از صفات آسمانی این پاك بانوی عرب را به گونه ای گذرا و کوتاه بررسی می کنیم

ولایت، کیمیایی بی همتا

ارادت و عشق به اهل بیت علیهم السلام و معرفت به آنان اکسیری است که مسّ وجود آدمیان را طلا می کند و اساس هستی بر ولایت آنان بنیان شده است. عالم رجالی، مامقانی در کتاب خود، تنقیح المقال، ولایت فاطمه کلابیه را این چنین به تصویر می کشد: فَاِنّ علَقَتها بالحسین علیه السلام لیس اِلاّ لِامامته.(۳۵) «همانا علاقه ام البنین به حسین بن علی علیه السلام به خاطر امامت حضرت است.» (نه آنکه چون او را در دامان خویش پرورانده است.) زیباترین چهره عشق به ولایت و رهبری در زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام وجود داشت؛ دفاع از ولایت و مبارزه برای حمایت از مقام والای امام علی علیه السلام و گویی فاطمه دوم، ام البنین، استمرار آن چهره درخشان تاریخ بود. در جای دیگر «مامقانی» می نویسد: «اینکه او به شرط سلامت حسین علیه السلام ، مرگ چهار فرزند خویش را بر خود آسان می گرفت نشان درجه عالی ایمان او است. من او را از نیکان به حساب می آورم.»(۳۶)

به واقع آنگاه که مادری، فرزنـدان خود را فـدایی ولایت و شـریعت بدانـد حق است که جاودانه شود و برای همیشه تاریـخ اسوه ای برای اهل ولایت باشـد. و چه زیباست شـکفتن غنچه هایی چون عباس و برادرانش در دامن تربیت مادری این چنین. به گونه ای که مورخان می نویسند: در کربلا زمانی که شمر ـ لعنهٔ اللّه علیه ـ برای عباس و برادرانش امان نامه می آورد عباس می گوید: «بریده باد دسـتت ای شـمر و خـدا لعنت کنـد تو را! آیا می خواهی ما در امان باشـیم و مولا و امام خود را تنها گذاریم.» این کلام ثمره تربیت ولایی ام البنین بود؛ همان که علی علیه السلام در آینه آینده می دید.

محبت مادری

مهر و محبت از صـفات ویژه مـادران است و هماره برای تفسـیر واژه عاطفه از خداونـدگار محبتها، مادر، اسـتفاده می شود. آنچه در زنـدگانی ام البنین بـا نـام مهر و عـاطفه جلوه می کنـد تنهـا مهر مـادری نیست که این مهر در سـینه هر مـادری نسـبت به فرزنـدان و دلبندانش شـعله می کشد. ام البنین در زندگیش همواره بر آن بود تا جای مادر را در دل نوادگان پیامبر اکرم و ریحانه رسول خدا و آقایان جوانان بهشت، امام حسن علیه السلام و امام حسـین علیه السـلام پر کند؛ مادری که در اوج شـکوفایی پژمرده شد و آتش به جـان فرزنـدان نوپـای خود زد. فرزنـدان رسول خـدا در وجود این بانوی پارسا، مادر خود را می‌دیدنـد و از فقـدان مادر، کمتر رنج می‌بردنـد ام البنین با مهربانی با آنان سـخن می گفت و از صـمیم قلب آنان را پرسـتاری می کرد و درست هماننـد مادری حقیقی با آنهـا برخورد می کرد. آنان نیز او را بسـیار دوست می داشـتند. ام‌البنین فرزنـدان دخت گرامی پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله را بر فرزنـدان خود که نمونه‌های والای کمال بودند مقدم می دانست و عمده محبت و علاقه خود را متوجه آنان می‌کرد، لیکن، ام البنین توجه به فرزندان پیامبر را فریضه‌ای دینی می‌شـمرد؛ زیرا خداوند متعال در کتاب خود به محبت آنان دستور داده بود و آنان امانت و ریحـانه پیـامبر بودنـد؛ ام‌البنین بـا درک عظمت آنـان به خـدمتشان قیـام کرد و حق آنـان را ادا کرد. محبت بی‌شـائبه ام‌البنین در حق فرزنـدان پیامبر و فـداکاری‌های فرزنـدان او در راه سیدالشـهدا علیه السـلام بی‌پاسـخ نمانـد، بلکه اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السـلام در احترام و بزرگداشت آنان کوشیدند و از قدردانی نسبت به آنان چیزی فرو گذار نکردند. رفتن نواده پیامبر اکرم، شریک نهضت حسـینی و قلب تپنـده قیام حسـین، زینب کبری، نزد ام‌البنین و تسـلیت گفتن شـهادت فرزنـدان برومنـدش، نشان‌دهنده منزلت والای ام‌البنین نزد اهل بیت علیهم السـلام است. این بانوی بزرگوار، جایگاهی ویژه نزد مسـلمانان دارد و بسـیاری معتقدنـد او را نزد خداونـد، منزلتی والاست و اگر دردمنـدی او را واسـطه خود نزد حضـرت باری تعالی قرار دهد، غم و اندوهش برطرف خواهد شد، لـذا به هنگام سـختی‌ها و درمانـدگی این مادر فداکار را شـفیع خود قرار می‌دهند، البته بسـیار طبیعی است که ام‌البنین نزد پروردگار مقرب باشـد؛ زیرا در راه خدا و اسـتواری دین حق، فرزندان و پاره‌های جگر خود را خالصانه تقدیم داشت. علاقه به فرزندانی که از آنِ او نبود، به خاطر مقام و عظمت مادر و پـدرشان، و همچنین پرسـتاری از آنان و ترجیـح آنها بر فرزندان خود از صـفات خاص ام البنین بود.

برکرانه وفا

یکی از نتیجه هـای عـاطفه و محبت، حس وفـاداری به عزیزان است. انسانهـایی که سراسـر سـرزمین وجودشان و قلبشان را محبت پر کرده است همواره نسـبت به بسـتگان خود وفـادار می ماننـد و در زنـدگی ام البنین این وفـادار در سـخنان او پس از شـهادت مولای متقیان علی علیه السـلام مشـهود است. وفاداری ام البنین به همسـر بزرگوار خویش به حـدی است که پس از شـهادت حضـرت علی علیه السـلام بـا آنکه جوان بوده و از زیبایی ویژه نیز برخوردار می باشـد به احترام آن حضـرت و برای حفظ حرمت او، تا پایان عمر ازدواج نکرده و همسـر دیگری را اختیار نمی کند. با آن که مدّتی نسـبتاً طولانی (بیش از بیست سال) پس از آن حضرت زنده بود.

آنگاه که «امامه» یکی از همسران آن حضرت علیه السلام توسط «مغیرهٔ بن نوفل» که یکی از مشاهیر عرب است خواستگاری می شود با ام البنین در مورد ازدواج مشورت می کند، او در جواب می گوید: «سزاوار نیست پس از علی، ما در خانه دیگری باشیم و با مرد دیگر پیمان همسری بندیم.»(۳۷) این سخن ام البنین نه تنها در اَمامه که در لیلی تمیمیّه و اسماء بنت عمیس نیز اثر گذاشت و تا پایان عمر هر چهار همسر علی بن ابیطالب علیه السلام ازدواج مجدد نکردند. این همسر شهید ایثارگونه به تربیت فرزندان علی علیه السلام مشغول بوده و بذر عشق و محبت و ایثار در وجود آنها می افشاند.

در آینه هنر

از دیگر صفات والای ام البنین فصاحت و بلاغت اوست که نمود آن در اشعار زیبا و جاودانه وی متجلی است. شعر تصویر زیبایی از احساس آدمی است که برای بیان آن و انتقال به دیگران سراینده باید در افق وسیعی از هستی قرار گیرد و خود را از زنجیر تعلقات برهاند. در خاندان بنی کلاب شاعران برجسته ای وجود داشتند که عرب همواره به اشعار آنان استناد می کرد آنان در اوج فصاحت و بلاغت قرار داشتند و دقت بادیه نشینان در استفاده از واژه های اصیل و دقیق و در عین حال لطیف نیز زبانزد عام وخاص است. ام البنین در این خانواده ها و در بادیه، آنجا که نهایتی و دیواری برای زندانی کردن احساسات نیست زندگی کرد و با شعر و ادب و فصاحت بیان و صراحت لهجه به رشد و بالندگی رسید. از جمله اشعار جاودانه وی که مورد تجلیل و تحسین بزرگان ادب قرار گرفته است شعر جانسوز وی پس از شهادت پسرش که پدر فضایل بود می باشد:

لا تدعونی ویک ام البنین ***

تذکرینی بلیوث العرین

کانت بنون لی ادعی بهم ***

و الیوم اصبحتُ و لا من بنین

اربعهٔ مثل نسور الرّبی ***

قد واصلوا الموت بقطع الوتین

«مرا ام البنین نخوانید که به یاد شیران دلاور می افکنیدم. مرا فرزندانی بود که به نام آنها خوانده می شدم ولی امروز فرزندی ندارم. چهار فرزند داشتم همچون بازهای شکاری و همگی به شهادت رسیدند.» مورخان می نویسند: ام البنین آنچنان جانسوز برای شهادت فرزندان و بویژه برای امام حسین علیه السلام نوحه و گریه می کرد که حتی دشمن اهل بیت، مروان بن حکم، نیز از شنیدن مراثی وی گریه می کرد. از دیگر اشعار وی در مورد عباس، تندیس بزرگ شجاعت، است که می گوید:

یا من رَاَی العباس کرّ علی جماهیر النقد ***

و وراه من ابناء حیدر

کل لیث ذی لبد نبّث

اَنّ ابنی اصیب براسه مقطوع ید ***

ویلی علی شبلی امال براسه ضرب العمل

لو کان سیفک فی یدیک لما دنامنه احد(۳۸) ***

«ای کسی که عباس را دیدی که بر دشمن حمله می کرد و فرزندان حیدر پشت سر او بودند. می گویند دست فرزندم قطع شده و بر سرش عمود فروده آمده. اگر شمشیرت را در دست داشتی کسی به تو نزدیک نمی شد (۳۹)

نگرش سیاسی

یکی از ابعاد شخصیتی انسانهای برجسته آشنایی و بصیرت نسبت به زمان خود است که امروزه از آن با واژه سیاسی بودن و سیاست یاد می شود. در هر زمانی، مظاهر ظلم و فساد به گونه ای ظهور کرده و در مقابل آنان مردان و زنان خدایی و صالح به مبارزه برخاسته اند. اما مبارزه چهره های گوناگون دارد؛ گاه به شکل مبارزه نظامی است و حضور فیزیکی در جبهه ها بر ضد باطل و کفر و گاه به گونه ارشادی و کلامی است و لباس تبلیغ به تن دارد و گاه با جلوه های هنری خود را نشان می دهد. مبارزه زمانی با فریاد صورت می گیرد و گاه با سکوت؛ همانگونه که سکوتِ علی علیه السلام و صلح امام حسن علیه السلام در مبارزه علیه ستم تفاوتی با فریاد حسین علیه السلام نداشت. جلوه های دیگر مبارزه که به نام مبارزه منفی است تأثیر فراوانی در تاریخ دارد. مواردی چون مخفی بودن قبر حضرت زهرا علیها السلام ، صحبت نکردن با بنیانگذاران ظلم و بیداد، اذان نگفتن بلال حبشی پس از واقعه سقیفه و اذان گفتن وی با درخواست حضرت زهرا علیها السلام ، اشکهایی که در بیت الاحزان بر زمین ریخته شد و ... که همه و همه نوعی مبارزه علیه حکومت وقت بود. از ویژگیهای بسیار مهم ام البنین توجه به زمان و مسایل مربوط به آن است. ام البنین از افرادی بود که با توجه به شجاعت و شهامت فراوان به علت تأثیر عمیق و ژرف مبارزه کلامی برای مخالفت با عاملان واقعه کربلا از سخنرانی و مرثیه خوانی و اشعار جانسوزی که از آن صحبت شد، استفاده کرد.تا ندای مظلومیت کربلائیان را به گوش نسلهای آینده برساند. پس از این فاجعه عظیم ، مجلس سوگواری بر پا می کرد ، تا از این طریق راه شهدای کربلا را زنده نگهدارد و همه زنان بنی هاشم در آن مجلس شرکت می جستند و بیاد شهدای کربلا اشک می ریختند . او در مرثیه جوانان از دست رفته اش اشعار جان سوزی دارد ... مورخان می نویسند: «پس از شهادت عباس، ام البنین هر روز به همراه عبیداللّه ، فرزند عباس، به بقیع می رفت و نوحه می خواند و گریه می کرد و مردم اجتماع کرده و همراه با او می گریستند.»(۴۰) خواندن اشعار برای عزاداری گاه جنبه های دیگری دارد. ام البنین با این اشعار هم حماسه کربلا و شجاعت پسران خود و مظلومیت حق را به مردم زمان خود و آیندگان معرفی می کرد و هم تاریخ کربلا را واگویه می کرد و در قالب عزاداری و مرثیه سرایی نوعی اعتراض به حکومت وقت می کرد و مردم که اطراف او اجتماع می کردند نسبت به عمال بنی امیه متنفر و منزجر می شدند. وی پس از کربلا بار رسالت سیاسی و اجتماعی خویش را به دوش گرفت و پیامهای مهم کربلا را به فرداها صادر کرد و ارزشهای معنوی این حماسه عرفانی را زنده نگاه داشت. به راستی وقتی قبر مطهر عباس علیه السلام و برادرانش در کربلاست چرا ام البنین به بقیع می رود؟ آیا به این نیست که مردم در آنجا اجتماع می کنند؟ و آیا به خاطر این نیست که بزرگان اسلام و پیشینه اسلامی مردم در این خاک خفته اند و در آنجا مردم به یاد حماسه های جوانمردان صدر اسلام می افتادند؟ مسئله مهم دیگر اینکه چرا فرزند عباس، عبیدالله، را همراه خود می برد؟ آیا این عمل برای این نبود که نسل آینده را نسبت به حقایق آگاه و بینا کند؟ آیا این یک تربیت سیاسی نبود؟ آیا او در صدد این نبود که پیام عاشورا را به مردم ابلاغ کند و پرچمدار این پیام رسانی همانا فرزند علمدار حسین علیه السلام ، عبیدالله، نباید باشد؟ ام البنین، این شجاعترین زن بنی کلاب، که از پیام آوران کربلاست چونان زینب، دختر علی علیه السلام ، رسالتی بر دوش دارد و اکنون به انجام آن رسالت مهم و ویژه همت می گمارد. گفتنی است که عبیدالله بن عباس به همراه مادرش لبابه در کربلا حضور داشت و سند زنده ای برای بیان وقایع عاشورا بود. آنچه گفتنی است بصیرت و بینش ژرف ام البنین است. او می توانست در منزل خود برای فرزندانش عزاداری کند ولی به بقیع می رفت تا عزاداری وی وسیله ای برای شناساندن چهره پلید یزیدیان و مظلومیت حسینیان باشد. به همراه بردن فرزند عباس نیز هم نکته های تربیتی داشت و هم سیاسی و اجتماعی.

علم ودانایی ام البنین علیها السلام

از ویژگیهای مهم زندگی انسانهای برجسته، علم و دانش آنان است که بسان نوری درخشان جداکننده حق از باطل است و سرچشمه جوشان این نعمت الهی علمی است که از خداوند متعال، معلم اول، آموخته و می آموزند. زندگانی ام البنین همواره با بصیرت و نور دانش همراه بوده است و این ویژگی والا ـ در جای جای کتب تاریخی ذکر شده است و ما را با عظمت این بانوی عالمه و فاضله آشنا می سازد. علاقه ام البنین به اهل بیت علیهم السلام و بصیرت دینی او به امامت به قدری بود که در باره او می نویسند: « برای عظمت و معرفت و بصیرت ام البنین کافی است که او هر گاه بر امیرالمؤمنین وارد می شد و حسنین مریض بودند با ملاطفت و مهربانی با آنها صحبت می کرد و از صمیم قلب با آنها برخورد می کرد چونان مادری مهربان و دلسوز.» (۴۱) او همسرش را تنها همسر نمی دانست که قبل از همسر او را امام و «ولی » خویش می داند و همچنین به این دو بزرگوار، حسنین، به جهت عشق به امامت و ولایت و به خاطر اتصال آنها با ولی خویش اینچنین محبت و ارادت نشان می دهد. یکی دیگر از مظاهر بصیرت و بینش این بانو که مبتنی بر علم و معرفت اوست جریان صحبت او با «بشیر» است که خبر شهادت فرزندانش را به او می رساند این نهایت بینش و بصیرت و علم و دانایی است که محور زندگی فردی امام و مولای او باشد. کمال بندگی و عبادت نیز همین است که آدمی خود و تعلقات خود را در جهت خواست محبوب ازلی، خداوند یکتا، فدا کرده و از آنها بگذرد.او دوست می داشت حسین سالم مانده و فرزندانش در راه حسین قربانی می شدند این علاقه قلبی او بحسین گواه خلوص ایمان و عقیده اوست علمِ سرشارِ وی در کلام او و فرزند بزرگوارش عباس نمایان است. او از محدثات شیعه است و فرزندان خود را با علم و دانایی تربیت کرد. اگرچه آنان فرزندان «باب علم نبی» بودند اما از دانش مادری هم بی بهره نبودند چنانکه حضرت علی علیه السلام در مورد عباس می فرماید: انّ ولدی العباس زُقّ العلمَ زقّاً. «همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر که از مادرش آب و غذا می گیرد از من معارف را فرا گرفت».(۴۲) در مورد اعتقادات و باورهای دینی عباس در کتب مربوط به زندگانی حضرت، مطالب فراوانی نوشته شده است که جملگی نشانگر روح بلند و دانش و بینش مادر وی می باشد. اخلاص، ادب، شجاعت، معرفت و صفات دیگر ام البنین نمایانگر شخصیت والای او است که ما جهت رعایت اختصار از شرح آنها خودداری می کنیم

ادب

صفت ادب از مهمترین شاخصه های شرافت انسانی است و دو مصداق دارد: ۱. ادب در برابر خدا۲- ادب در برابر مردم. ام البنین علیها السلام که از دامان خاندانی ادب پرور برخاسته بود، در محضر اسوه ادب ـ علی علیه السلام ـ آن را بارور ساخت و الهی گردانید. او در پیشگاه خدا ادب بندگی را نگاه می داشت و نسبت به مردم فروتن بود؛ ولی بزرگترین نمود ادب او، در برابر علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندان معصوم علیهم السلام آنان است. هنگامی که به خانه علی علیه السلام قدم نهاد، خود را نه به عنوان جانشین فاطمه علیها السلام ، بلکه به عنوان خادم فرزندان فاطمه علیها السلام می دانست. با آنان به ادب رفتار می کرد و آنها را گرامی می داشت. عباس علیه السلام از این سرچشمه ادب، تربیت آموخت که برادرش حسین علیه السلام را همیشه یاسیدی یااباعبدالله خطاب می کرد و همواره ادب را در گفتار و رفتار خود نسبت به فرزندان زهرا علیها السلام نگاه می داشت.

بر کرانه تعلیم و تربیت: با توجه به معارف و مبانی اسلامی درمی یابیم که امر مقدس تربیت برای زنان به عنوان یک امتیاز مهم مطرح شده است. خداوند اولین مربی بشر است که «رب العالمین» از نامهای او است و این لباس فاخر تنها بر قامت زنان پاک و مهربان شایسته است. وظیفه حقیقی و واقعی زن، تربیت زنان و مردانی است که سازنده جوامع بشری هستند. در این راستا «ام البنین» یکی از مربیان تاریخ قلمداد می شود که تا هستی بر جاست و تا صفات عباس بر زبانهاست سخن از ام البنین نیز هست. آنگاه که کتاب زندگانی عباس بن علی علیه السلام را ورق می زنیم و ویژگیهای والا و فضیلتهای بالای وی را می بینیم و صفاتی

چون ادب، شجاعت، آزادگی، وفادری و اخلاص و ایمان و بصیرت که همه و همه به گونه ای در وجود مادر او بوده است و ظهور و بروز این صـفات در فرزند متجلی می شود را می یابیم، به عظمت مسأله تربیت و پرورش معنوی و اخلاقی فرزندان پی می بریم. به نظر می رسد پاره ای از صـفات در وجود ابوالفضل درخشش فراوانی داشته است؛ از جمله ادب او که در مورد پدر بزگوارش، علی بن ابی طالب علیه السـلام ، و برادران عزیز و گرامی اش حسن علیه السـلام و حسـین علیه السلام به وضوح دیده می شد. مورخان می گوینـد: عباس بن علی هر گاه حسـین علیه السـلام را مورد خطاب قرار می داد از واژه «یا مولای» و «یا سـیدی» اسـتفاده می کرد و کمتر اتفاق می افتاد که او را با لفظ برادر صدا کند. اگر چه هر دو از یک پدر بودند اما تواضع و ادب او نسبت به حسـنین علیه السـلام به علت نگرش عمیق او به عظمت حضـرت زهرا علیها السلام بوده است و این درسی است که از کودکی آنگاه که سر بر دامن معلم اولین خود، ام البنین، می نهاد آموخت. آری، درس ادب، ولایت، عشق به همنوع و آشنایی با دردهای زمان از جمله درسهایی بود که چهار پسر ام البنین در مکتب مادر آموختند و همواره به آنها پای بند بوده و با آنها جاودانه شدند. در کتب تاریخی در شـمارش شهدای کربلا نوشته اند: «اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام ... و العباس و جعفر و عثمان و عبداللّه (یا عبیـداللّه) الشـهداء مع اخیهم الحسـین علیه السـلام بِطَفّ کربلاـ اُمّهُم ام البنین بنت حرام بن خالـد».(۴۳) «از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السـلام (پس از ذکر تعدادی از فرزندان) عباس و جعفر و عثمان و عبداللّه است که با برادرشان حسـین علیه السلام در سرزمین کربلا به شهادت رسیدند. مادر آنها ام البنین دختر حرام بن خالد است.»

پیش رخسارم اگر خورشید مهتاب من است ***

مادرم ام البنین است علی باب من است

شاعر حسن فطرس

براستی پرورش فرزنـدانی چنین شـجاع که در راه شـریعت و ولاـیت از جـان گذشـته و به تمامی تعلقات و وابسـتگیهای خاص دوره جوانی و نوجوانی پشت پا زده و در راه دین و رهبر فدا شوند کاری بس عظیم و سـتودنی است. ام البنین، مادر چهار شـهید در یک جبهه، الگو و اسوه ای است برای مادران شـهدای کربلای ایران. اگر نبود صبر و بردباری و بصیرت این زن در تاریخ اسلام، به یقین دفتر صبر و اسـتقامت بی سـرمشق می مانـد و مـادران شـهیدان در ایران باافتخـار و سـربلندی از جوانـان به خاک خفته خویش چنین صبورانه سخن نمی گفتند

عروج عرشی و غروب مادر مهتاب

چنـد سـالی است که (فـاطمیه نه در سوم جمـادی الثـانی که ده روز دیرتر یعنی در سـالروز رحلت فاطمه ای دیگر به اتمام می رسـد رازی که در این قرابت زمـانی میـان سـالروز پرواز فاطمه صـدیقه و (فاطمه کلابیهوجود دارد بی شک همانا ابراز ارادتی است که ام البنین به زهرا و خـانه و خوانواده او داشت چه بسـیار که این دومین فـاطمه علی خود را کنیز زینبین و پسـرانش را غلاـم حسـینین می خواند چه بسیار که که ام البنین تجلی گر ادب شده بود و از عباس در همان حال که کودکی بیش نبود تقاضا کرده بود حسین را نه برادر که مولا خطاب کند. ((پسـرم!تو و حسـین پدرانتان یکی است اما من کنیز مادر حسین هستم.)) زندگی سراسر مهر و عاطفه و مبـارزه ام البنین رو به پایـان بود وآخرین شب زنـدگی ام البنین بود. فضه خـادمه رو به خـانم کرد و از این بانو ادب خواست در این آخرین لحظـات بالاـ ترین جمله را به او بیـاموزد. ام البنین لب به تبسم گشود و انـدکی بعـد آرام زمزمه کرد:((السـلام علیـک یـا ابا عبـدالله))…. تا فضه یک بار دیگر یاد آنرو بیافتـد که اصـحاب به ام البنین خبر شـهادت پسـرانش را می دادند در حالی که او تنها از حسین می پرسید. از حسین می پرسید و می گفت:پسرانم فدای او از حسین بگویید…. لحظاتی فضه به خود آمد ام البنین را در حال احتضار دیـد دویـد و فرزنـدان علی علیه السـلام راو فرزندان حسـین بن علی را صدا زد.اندکی بعد ندای مادر مادر مدینه را پر کرد.

این اولین بار بود که فرزندان و نوادگان فاطمه ام البنین را مادر صدا می کردند و خانم ممانعتی نمی کرد. شاید او را دیگر رمقی نمانده بود تا بگوید:من کنیز فاطمه هستم مرا مادر نخوانید! حضرت زین العابدین علیه السلام بی اختیار یاد آن غروبی افتاد که عمویش عباس آغشته به خون خویش برای اولین بار فریاد بر آورد: ((یا اخی ادرک اخی!))... قطرات اشک بر گونه هایش نشست ام البنین دیگری ندای مادر مادر فرزندانش را نمی شنید... او به عنوان همسر شهید، رسالت خویش را به خوبی به پایان رسانید و فرزندانی تربیت کرد که فدایی ولایت و امامت بودند و هر ۴ تن در در کربلاـ قربانی آرمانهای «ولی » و «امام » خویش شدند و بدین وسیله بر صحیفه تربیت ام البنین امضای سبز مولای متقیان علی علیه السلام قرار گرفت. پس از کربلا بار رسالت سیاسی و اجتماعی خویش را به دوش گرفت و پیامهای مهم کربلا را به فرداها صادر کرد و ارزشهای معنوی این حماسه عرفانی را زنده نگاه داشت. همسر شهید، مادر چهار شهید و طلایه دار پیام آوران کربلا پس از زینب علیها السلام که لحظه لحظه عمر خویش را با خدای خود معامله کرد و لحظه ای خطا و انحراف در زندگی وی راه نیافت او، بعد از زینب کبری علیهاالسلام دار فانی را وداع گفت، ولی تاریخ‌نگاران سال ارتحال او را متفاوت نگاشته‌اند، به طوری که عده‌ای آن را سال ۷۰ هجری قمری بیان کرده‌اند و عده دیگری تاریخ وفات آن مادر فداکار را، سیزدهم جمادی الثانی سال ۶۴ هجری قمری دانسته‌اند که نظر دوم از شهرت بیشتری برخوردار است (۴۴) او در قبرستان بقیع در کنار سبط رسول خدا، امام حسن علیه السلام ، و فاطمه بنت اسد و دیگر چهره های درخشان شریعت محمدی صلی الله علیه و آله به خاک سپرده شد(۴۵) اگر چه جسم او در خاک است اما روح بلند او و صفات کریمه و عظیمه وی نام او را به بلندای آفتاب زنده نگاه داشته است و در پرتو صفات این بانوی فاضله انسانهایی تربیت شده اند که در تاریخ ماندگار خواهد بود قبر او بُقعه ای از آسمان است و مردان و زنان دین باور به زیارت او می روند تا جرعه ای از دریای بیکران مجد و عظمت او را جویا شوند و کویر تفتیده خویش را حیات بخشند چه زیباست القاب او در میان مسلمانان ام العشق، ام المهتاب ، ام الوفاء وغیره...

ام البنین الگویی تمام عیاربرای ما

اگر بخواهیم چشم اندازی از زندگانی سراسر ایثار و از خودگذشتگی ام البنین، مادرِ شجاعت، را در برابر آیندگان بگشاییم باید بگوییم که: ام البنین آسمانی زندگی کرد و در دامان حقیقتها پرورش یافت و در بوستان زندگی خویش گلهایی را پرورش داد و سپس با دست خویش و از اعماق قلب مطهرش به امام زمان خود، حسین علیه السلام فرزندِ پاک بانوی آفرینش، تقدیم کرد. زندگانی این بانوی حرم علی بن ابی طالب علیه السلام آینه ای است برای هدایت بشر امروز و به ویژه درسی برای زنان برجسته است و می توان دوره های زیر را در زندگی سراسر عشق و مبارزه او مشاهده کرد: ۱) دوران قبل از ازدواج با روحیات پاک و صادقانه که رؤیای صادقه او نتیجه این طهارت بود. ۲) زندگانی در خانه ولایت و به جای گذاشتن خاطره های خوش در اذهان فرزندان همسر ۳) تربیت فرزندانی شجاع و دلاور و شیفته دانایی و تربیت ولایی جوانان خود که ۳۴ سال این دوره به طول انجامید و انجام وظایف مادری به بهترین صورت. ۴) ایثار در جایگاه «همسر شهید» و صبر و بردباری در فراق همسر باوفای خود که ۲۰ سال به طول انجامید. ۵) نگهداری از یتیمان و بازماندگان واقعه کربلاـ و بیدادگریها و مبارزات سیاسی که این دوره ۹ سال به طول انجامید. آخرِ سخن اینکه این بانوی کریمه و بزرگوار، مادر چهار شهید و همسر شهید، برگ زرّینی از کتاب تاریخ را بر جای گذاشت و جاودانه شد. امید آنکه با پویش راه کمال و الگوگیری از بزرگانی این چنین، نام ما نیز در زمره شیفتگان ولایت ثبت شود

ام‌البنین علیهاالسلام ، واسطه فیض الهی

ام‌البنین، همسر علی علیه‌السلام و مادر سردار کربلا، نزد مسلمانان جایگاهی ویژه دارد، چون نزد خداوند از مقام و منزلتی والا برخوردار است، و این مقامْ به واسطه تقدیم خالصانه فرزندان در راه خدا و استواری و عبودیت ایشان است. از این‌رو، مؤمنانِ حاجت‌مند و دردمند او را به درگاه حضرت باری تعالی شفیع و واسطه قرار می‌دهند، و غم واندوهشان را با زیارت مزار آن بانو می‌زدایند ایت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی می‌فرمود: شخصی در عالم مکاشفه، حضرت ابالفضل العباس را دید و عرض کرد: آقا جان! حاجتی دارم و نمی‌دانم برای روا شدن آن به چه کسی متوسل شوم؟ قمر بنی‌هاشم فرموده بود: به مادرم امالبنین... (۴۶) از مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سید محمود حسینی شاهرودی (متوفی ۱۷ شعبان ۱۳۹۴ هجری قمری) نقل است که فرموده بود: من در مشکلات ، صد مرتبه صلوات برای مادر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام ، ام البنین علیه السلام ، می فرستم و حاجت می گیرم(۴۷) به تجربه رسیده است که نذر برای ام البنینع و اطعام مستمندان به نام حضرت ااالفضل العباس علیه السلام ، برای بر آورده شدن حاجات موثر است . (۴۸) گفته شده که چهار شب جمعه ، ده مرتبه سوره یس ، بدین طریق خوانده شود انشاء الله کارساز خواهد بود: شب جمعه اول سه مرتبه ، شب جمعه دوم سه مرتبه ، شب جمعه سوم سه مرتبه ، شب جمعه چهارم یک مرتبه ، سوره یس به نیابت از حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و هدیه برای مادرش ام البنین علیه السلام بخواند، انشاء الله که حاجات بر آورده به خیر خواهد گردید(۴۹) همچنین در میان مردم ، به ویژه کسانی که نسبت به مقام ام البنین علیه السلام شناخت دارند، مشهور است که هرگاه چیزی را گم کنند یا در جستجوی آن باشند، هدیه به روح آن بانوی بزرگوار سوره فاتحه ای می خوانند و صلواتی می فرستند. درنتیجه به اذن خدا به شی گمشده و یا حاجتی که دارند، دست می یابند، و این امر بارها تجربه شده است . (۵۰)

سخن بزرگان در بیان فضایل ام‌البنین علیهاالسلام

عالم جلیل‌القدر، زین‌الدین عاملی، شهید ثانی درباره حضرت ام‌البنین علیهاالسلام می‌گوید: «ام‌البنین از بانوان با معرفت و پر فضیلت بود. نسبت به خاندان نبوت، محبت و دلبستگی خالص و شدید داشت و خود را وقف خدمت به آن‌ها کرده بود. خاندان نبوت نیز برای او جایگاه والایی قائل بودند و به او احترام ویژه می‌گذاشتند.» هم‌چنین علامه سید محسن امین می‌گوید: «ام البنین علیهاالسلام ، شاعری خوش‌بیان و از خانواده‌ای اصیل و شجاع بود.» (۵۱) علی محمد علی دُخَیِّل، نویسنده معاصر عرب در وصف این بانوی بزرگوار می‌نویسد: «عظمت این زن (ام البنین) در آن‌جا آشکار می‌شود که وقتی خبر شهادت فرزندانش را به او می‌دهند، به آن توجه نمی‌کند، بلکه از سلامت حضرت امام حسین علیه‌السلام می‌پرسد؛ گویی امام حسین علیه‌السلام فرزندِ اوست نه آنان».(۵۲) سید باقر شریف قرشی در کتاب خود العباس رائد الکرامه و الفدا فی الاسلام گفته است : در تاریخ دیده نشده که زنی نسبت به فرزندان هووی خود محبتی مخلصانه و رزد و آنها را بر فرزندان خود مقدم بدارد، جز این بانوی پاک علیه السلام یعنی ام البنین(۵۳) شیخ جعفر نقدی در کتاب خود (زینب کبری) می گوید: ام البنین علیه السلام از جمله بانوان با فضیلت ، خوش بیان ، و سخنور، پرهیزکار و اهل عبادت و تقوا بود. اهل بیت را به خوبی می شناخت(۵۴) . مقرم می گوید ام البنین علیه السلام از بانوان با فضیلت به شمار می رفت . وی حق اهل بیت را خوب می شناخت و در محبت و دوستی با آنان خالص بود و متقابلا خود در میان آنان جایگاه بلند و مقام ارجمندی داشت(۵۵) برخی افراد مانند سیدمهدی سویج در کتاب ام البنین سیدهٔ نساء العرب در بیان فضل و دانش او، ایشان را با جناب زینب کبری علیها السلام البته در سطح پایین تر مقایسه می کند و او را به صفت عالمه می ستاید. این ویژگی آشکارا درباره هیچ کس جز زینب کبری علیها السلام گفته نشده است.

بخشی از زیارت نامه ام البنین علیهاالسلام

سلام بر تو ای همسر جانشین رسول اللّه علیه السلام ؛ سلام بر تو که محبوب زهرایی؛ سلام بر تو ای مادر ماه های درخشان؛ خدا و رسولش را گواه می گیرم که تو با اهدای فرزندانت و قربانی کردن آن ها در راه آرمان های حسین علیه السلام جهاد نمودی؛ گواهی می دهم که تو یار و یاور امام علی بن ابی طالب علیه السلام در سختی ها، مشکلات و مصیبت ها بوده ای ؛ گواهی می دهم که به خوبی از عهده سرپرستی و نگه داری فرزندان زهرای اطهر علیهاالسلام و ادای امانت ایشان برآمدی؛تو در نزد خداوند از مقام و منزلت بالایی برخورداری؛ سلام بر تو و بر فرزندان شهیدت! السلام علیکِ یا زوجهٔ ولی الله، السلام علیکِ یا زوجهٔ امیر المؤمنین، السلام علیکِ یا ام البنین، السلام علیکِ یا ام العباس ابن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، رضی الله تعالی عنک وجعل منزلکِ وماواکِ الجنه ورحمهٔ الله وبرکاته ...

کتابشناسی ام البنین علیها السلام

تمامی کتابهایی که درمورد حضرت ابوالفضل عباس است رامیتوان جز کتابهایی نام برد که زندگینامه ام البنین علیها السلام در آن وارد شده که ما از معرفی آنها خودداری میکنیم

و اما کتابهای دیگر:

۱- اعلام النساء المؤمنات، محمد حسون - ام علی مشکور تهران، انتشارات اسوه، ۱۴۱۱ق

۲- اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، عمر رضا کحاله، دمشق ۱۳۷۹ ق

۳- اعیان الشیعه، سید محسن امین، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق ، جلد ۶، ۷

۴- ام البنین، محمد علی سالکی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۲

۵ - شروع مرثیه عاشورا ، ذبیح ا... صاحبکار، نگاه حوزه، ش ۷۸ - ۷۷، فروردین ۱۳۸۱

۶- ادب الطف او شعر الحسین، جواد شبر، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۰۹ ق

۷- مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۴۲ ، نویسنده: شهید مطهری

۸- ستاره درخشان مدینه حضرت ام البنین علیها السلام

۹- ام البنین علیها السلام زیباترین الگوی نامادری!،یکتایی، محمدرضا،ناشرفارابی

۱۰- ام البنین علیها السلام ، مادر مهتاب پدیدآورنده ناحیدطیبی

۱۱- ام البنین نمادی از خودگذشتگی،محمدرضاعبدالامیرانصاری

۱۲- بحار الانوارعلامه مجلسی ج ۴۵

۱۳- ام البنین سیده نساء العرب،سیدمهدی سویج

۱۴- مادر فرزندان زهرا علیها السلام ،ابوالفضل هادی منش

۱۵- ام البنین شمع یتیمان علی علیه السلام ،محمد آخوند،انتشارات یاس زهرا

۱۶- ام البنین علیها السلام ،سلمان هادی طعمه ،ناشردارالبقیع

۱۷- ام البنین بانوی ایثار،فرزانه یاورزاده

۱۸- ام البنین شیرزن ولایت مدار ،علی اکبرخدایی

۱۹- ام البنین مادری بربلندای معرفت

۲۰- ام البنین اسوه مادران و همسران شهید ،فاطمه اسلامی

منابع و پی نوشتها

۱- اصول کافی کلینی وسردار کربلا ص ۳۳ چ

۲- وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۹. با اندکی تغییر در کتاب مقنعه شیخ مفید ص ۷۹ ،المجازات النبویه ص ۶۱ وسردار کربلا ص ۳۳

۳- نکت الهمیال ص ۲۰۰ وکتاب سردار کربلا یا ترجمه العباس از سید عبدالرزاق موسوی المقرم ص ۳۴

۴- قمر بنی هاشم، مقرم، ص ۱۵.

۵- عمدة الطالب وسرالسلسلة وسردارکربلا ص ۳۴

۶- تنقیح المقال، علامه مامقانی، ج ۳، ص ۷۰ با ترجمه.

۷- مدینة المعاجز ص ۱۱۵ وسردار کربلا ص ۳۴

۸- اختصاص شیخ مفید وکتاب بصائرالدرجات وسردار کربلا ص ۳۵

۹- مستظرف ج ۱ ص ۶۱ -۷۰ وکتاب یردارکربلا ص ۳۵

۱۰- قمر بنی هاشم، عبدالرزاق المقرم، ص ۹.(قابل توجه که دربعضی از کتب نام او حرام ذکر شده)

۱۱- همان، ص ۱۰. مقاتل الطالبین ص ۲۲ وبطل العلقمی ۱/۹۲

۱۲- قرآن کریم، سوره ابراهیم / ۲۴.

۱۳- عبدالرزاق المقرم، قمر بنی هاشم، ص ۱۰

۱۴- مامقانی، تنقیح المقال، ج۳، ص ۷۰ با ترجمه

۱۵- قمر بنی هاشم ، ص ۱۱۱۳. محقق بزرگ شیخ عبدالواحد مظفر در کتاب خود ((بطل العلقمی)) به تفصیل درباره این خاندان گرامی و باقیات صالحات آنان سخن رانده است .

۱۶- دکتر احمد بهشتی، قهرمان علقمه، ص۳۲ و بَطَلَ العلقمی، عبدالواحد مظفر، ج ۱، ص۱۶۷

۱۷- شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج۱۴، ص ۳۱

۱۸- شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج۱۴، ص ۵۱

۱۹- علی اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، ص۱۱۶

۲۰- علی اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، ص۱۱۶

۲۱- مقرّم، قمر بنی هاشم، ص۲۶ با ترجمه

۲۲- محمدعلی الناصری، مَولِد العباس بن علی علیه السلام ، ص۲۶ با ترجمه

۲۳- محمدعلی الناصری، مَولِد العباس بن علی علیه السلام ، ص۲۸ با ترجمه

۲۴- محمدعلی الناصری، مولد عباس بن علی علیه السلام ، ص۳۶

۲۵- مولد عباس بن علی علیه السلام ، محمد علی الناصری، صص ۳۸ -۳۶. وکتاب مادر مهتاب

۲۶- همان، ص۳۹

۲۷- مقرّم، قمر بنی هاشم، ص۵۱

۲۸- الکبریت الاحمر، ج۳، ص۱۴۴

۲۹- وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۹.

۳۰- زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام ص ۲۱ وکتاب چهره درخشان قمربنی هاشم ص ۵۹

۳۱- باقر شریف‌قرشی، زندگانی حضرت ابوالفضل‌العباس، ص
۳۲- ذبیح اللّه محلاتی، ریاحین الشریعه، ج۳، ص۲۹۴ ،تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰ و منتهی الامال، حاج شیخ عباس قمی، ص ۲۲۶.
۳۳- مقاتل الطالبین ص۵۶ و بحارالانوار ج ۴۵ ص ۴۰) ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، ج ۳، ص ۲۹۴ و تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰. ۳۴- قمر بنی هاشم، مقرم، ص ۱۶.
۳۵- مامقانی، تنقیح المقال، ج۳، ص ۷۰ با ترجمه
۳۶- مامقانی، تنقیح المقال، ج۳، ص ۷۰ با ترجمه
۳۷- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۴۲، ص۹۳
۳۸- احمد بهشتی، قهرمان علقمه، ص ۴۰، به نقل از انیس الشیعه
۳۹- ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، ج ۳، ص ۲۹۴ و تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰.
۴۰- ذبیح اللّه محلاتی، ریاحین الشریعه، ج۳، ص۲۹۴
۴۱- همان، ص ۱۶.
۴۲- احمد لقمانی، سپهسالار عشق، ص۲۳
۴۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۴۲، ص۸۹
۴۴- محدثات شیعه، دکتر شهلا غروی نایینی، ص ۵۳.
۴۵- عبدالحسین مؤمنی، زندگانی قمر بنی هاشم باب الحوائج، ص۱۳۷.
۴۶- ستاره درخشان مدینه حضرت ام البنین علیها السلام ، ص ۱۴۲
۴۷- چهره درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام ، ج ۱ ص ۴۶۴
۴۸- چهره درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام ، ج ۱، ص ۴۶۴
۴۹- حیاه العباس ، شیخ جعفر، ص ۴۶
۵۰- ام البنین نماد از خود گذشتگی
۵۱- اعیان الشیعه ، ج ۲ ص ۲۸۹
۵۲- العباس علیه السلام ، ص ۱۸
۵۳- عباس بن علی رائد الکرامه ، ص ۲۳
۵۴- زینب الکبری علیه السلام ، ص ۲۵ ۵۵- العباس علیه السلام ، ص ۷۲

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹